

دریاکنار

ازک - ع

در پشت پرده سیاست

ملک طلال پادشاه اردن

بنفع فرزندش شاهزاده حسین از سلطنت استعفا داد...

تحت نظر هیئت تحریریه

تقدیر بنفشه

فراموش شده‌ها!....

«برای اوج و مطالعه امپدکاف بو شهر در مجلس شورای ملی ایران»

تهران ، در گذشته و حال مردم دریاکنار وعده نوید ، زیاد - خیلی زیاد داده است که اگر قسمتی از این وعده ها عمل میکرد امروز بشهر بوشهر بهشت برین بود اما متاسفانه همه را بیاد فراموشی سپرده بد نیست خوانندگان گرامی بدانند که تهران بچه وعده هایی تا کنون ما را سرگرم داشته است

- ۱- بستن سد بر روی رودخانه های موند دودشتی ، زهره در لیرای و داد المیزان در بندر ثلاث
- ۲- استقلال فرهنگ باین معنی که از زیر سلطه فرهنگ استان هفتم بدرآید و مستقیما با تهران ارتباط و تماس داشته باشد و بطور کلی تابع نظرات و دستورهای مرکز باشد
- ۳- توسعه امور فرهنگی اهرام دبیر و آموزگار و تکمیل وسائل فنی و اداری فرهنگ ایجاد دبستانهای کشاورزی ساختمان آموزشگاه در قراه و قصبات
- ۴- اختصاص سهمیه کالای وارداتی تجارتنی اصناف بزد و شیراز بوشهر توضیح آنکه تربیاتی داده شود که بازرگانان و وارد کنندگان کالا در بزد و اصناف و شیراز مکلف و موظف باشند که کالاهای خود را از راه بندر بوشهر بداخله مملکت وارد سازند
- ۵- احداث راه ساحلی بندر عباس - خرمشهر که این راه از میان سواحل و قراه و قصبات بندر فارس بگذرد
- ۶- ساختن راه بوشهر - شیراز از طریق فیروزآباد بنحوی که این راه از وسط آبادیها و روستاها ی چند بخش بوشهر بگذرد و نقاط غله خیز و خرما خیز این نواحی را از طرفی ببندیکرد و از طرفی دیگر بجاده خوسه بوشهر - شیراز پیوند دهد و مرتبط سازد
- ۷- تأسیس پست های ثابت و سیار صحنی اهرام پزشک پزشکیار و قایق پشهرستان و شهر و بخش ها و دفاتر نامه اداره بهداشتی و قرنیتن کل بندر جنوب ارسال دارو بعد کافی و تأسیس بیمارستان یکصد تختخوابی
- ۸- ترمیم امور مواصلات و پست و تلگراف در بوشهر و بخش های نامه و نصب تلگراف سیم در چند نقطه دور افتاده
- ۹- ساختمان بودت و یا اسکله در بندر بوشهر و اعلام بندر آزاد برای بندر بوشهر تجدید نظر در نرخ ترهه گمرکی و دادن امتیازاتی به بازرگانانی که بخواهند کالاهای صادراتی وارداتی خود را از طریق این بندر صادر و یا وارد نمایند

۱۰- اعطاء ۲۵ میلیون ریال از محل اعتبار سازمان برنامه برای اصلاح امور فرهنگی بهداشتی و موتوریزه کردن دستگاه کشاورزی و سایر امور اجتماعی و صنعتی

۱۱- حفر چندسخته چاه عمیق جهت تامین آب مشروب مردم بوشهر متاسفانه تهران را خواب و مردم دریاکنار را آب برده است ما باید همچون چه های کوچک و بازیگوش باین اسباب ازبها دانشموش باشیم و باین وعده ها و نوید سرگرم و مشغول گردیم تا روزها و شبها ازبی بگذریم بگذرد و بدینال آن عمر ما نیز سپری گردد!...

عبدالرحیم جعفری

«دریای مدیترانه»

پایه درس ۱

خیابان باصفای «الصفاء» که یکاخ سلطنتی اردن هاشمی منتهی می گردد از جمعیت موج میزد گروه انبوهی مردم که ازنظر وضعیت ظاهری و اولحاظ عقاید باطنی باهم اختلاف فاحش داشته و اولحاظ دین و مذهب وجه مشترکی بین آنها دیده نمیشد درهم فشرده می شدند

گاهگاهی از جمعیت صدای بلند که (زنده باد پادشاه) و بدینال این صدا ستونی از جمعیت برانفشار مامورین پلیس بر سطح خیابان نقش می بست

ایزاز احساسات و حرارت مردم هر ساعت زیاد و زیادتر می گردید تا بعدی که مامورین پلیس قادر به حفظ آرامش و سکون نبودند در پیشانی این جمعیت جوانی بلند قامت در حالی که لباسی بزم لباس افسران عالی رتبه نیروی زمینی اردن در برداشته براسی سوار بود و آهسته و آرام بسوی مقصد نامعلومی حرکت می کرد

گرداگرد او چند تن افسر پلیس گرفته بودند وحشی آنها نیز از مقصد نهائی این سوار بی خبر بودند در عرض راه کسی وسایر مردمی

اوبسنده ع- ج

واستان بنفشه

منو و منو چهر

(اگر دستم رسد بر چرخ گردون)

همی پرسم که این چه هست و آن چون

یکی را داده ای صد ناز و نعمت

یکی قرص جوی آغشته در خون

شاعر وحشی

گرد و خاک کی که بر اثر وزش باد شمال بپواید بر میخاست چشم ها را میآورد و سر و صورت را بر آرزوهای نرم و آرزو رهندهای میگرد با این حال گوسفندا شترها و گاوها آرام و آهسته میگریزند و شخوار میگردند آفتاب نور و حرارت گرم و درخشان خود را ظالمانه بر زمین میپاشد همه جا را حتی زیر درختان کنار و زیر سایه نخل های خرما با بجمی مثل تنور ساخته و طراوت و لطافت و رطوبت را از زمین برده بود رایحه خارا شتر تم و غصه میبوی را در هوا بخش میگرد منظره علف

گرد و خاک کی که بر اثر وزش باد خزان آنها را خشک و زرد و رنگ گردآید و همچنین نماهای سوسار های درخت و قشنگ که گاه و بیگاه از پس تپها و ناهمواریها پیدامیشدند و شتاب زده و اندیشناک بهر سو در میزدند نمیتوانستند خستگی را از تن رهاکنان بدر کنند یک کوهبان همراه چهار سرباز از اهرام به سبب میزدند تا «منو» معد را که پس از یکماه خدمت فرار کرده بود بگیرند گفتگهای روی دوش سربازان سنگینی بقیه درصق میکرد

از سر هیراما

گوناگون

تیسار استوار ژاندارمری

« این روزها بر سر زمین و ساختن در جریک دشتی بین چند نفر از طایفه عراقی اختلافی تولد و بجای آنکه در این موقع فصلی پیدا شده و آبی روی آتش بریزد مقدسه جو بان از فتنه انگیزی اختلاف را شدید می ساختند تا قضیه با اطلاع آقای استوار مظاهری فرماندهی ژاندارمری کنگان رسیده و ایشان فوراً بسجل آمده با سهارت بخصوصی تمام

اختلافات را بر طرف و از بکسله حوادث ناگوار جلوگیری نمودند - اینجانب و هموطنان عراقی از ایالت و مال اندیشی این مرد باگه اومت سیاسیار و بدینوسیله مراتب قدراتی نمود را با اطلاع هموم مرسامیم دشتی عبدالله عراقی »

این بود تلگرافی که از بندر کنگان برای دوپاکتار رسیده این تلگراف بنوان ژاندارمری است و یک رونوشت هم بشنوان فرمانداری

که دومبر خبابان (الصفاء) قرار داشتند با ایزاز احساسات مقدم (ملک طلال) را استقبال می کردند برای اولین بار بود که پادشاه اردن هاشمی بدون خبر و بدون انجام تشریفات رسمی در بین مردم ظاهر می شد

(ملکه زین) از این حرکت خلاف قاعده شوهرش نگران بود و به نخست وزیر اردن جریان را واقعه را اطلاع داد در تمام این مدت که ملک طلال باین صورت و هیئت در بین مردم گردش می کرد بواسطه مقتضی به نخست وزیر اطلاع میدادند تا مادامی که باو اطلاع رسید که گویا ملک طلال قصد منزل نخست وزیر را دارد

ابوالهدی نخست وزیر اردن خود را برای پذیرائی پادشاه اردن حاضر کرد و تا مقصدی راه با استقبال او رفت

ساعتی بعد جز ملک طلال و - نخست وزیر کس دیگر در اطراف آنها دیده نمیشد و جمعیت بر اثر اغطار مامورین (شرطه) متفرق شدند سالون پذیرائی نخست وزیر اردن بکنوع سکوت عمیق فراگرفته بود و جز صدای باد زرد برقی صدای دیگر شنیده نمیشد

ملک طلال باقیباده ای برافروخته و چشمانی از حده خارج شده در - بحرفکر فرورفته بود بالاخره نخست وزیر اردن از این حالت ملک طلال استفاده کرده و جریان این عمل را از پادشاه جویا شد ملک طلال با صدای گرفته جواب داد که آتمام بشما اطلاع دهم که از این تاریخ باختیار شما بوده و مطیع دستورات قانونی شما خواهم بود

از مذاکراتی که بعدا بین آن دو بسبب آمد کشی اطلاعاتی ندارد ولی چند ساعت بعد ملک طلال و ابوالهدی در انجمن سلطنتی فراداشند چنه

موسسه گلت سوار نظامی آنها را معافند میگرد بهین طریق بجانب قفسر سلطنتی روانه شدند و از فرادی آن روز در ریاض انتشار یافت که ملک طلال در یکی از کاخهای سلطنتی تصه نظر اطباء مصری مشغول مداوا و استراحت است تا برنشانی و اختلال حواس او درمان شود وحشی گفته شد بدستور نخست وزیر کله پادشاه گران بها واقبتی را از دسترس او خارج نموده اند تا میبادا بقتنا آنها را شسته و یا معلوم نشاید

پایه درس ۳ بوشهر متعارفه هده پایه درس ۲

خرمای دریا کنار

کشتی حامل ۵۰۰ تن شکر پس از تخلیه شکرها بندر بوشهر را ترک کرد مدت مقرر و قانونی کشتی ۱۳ روز و چهار ساعت و ۵۸ دقیقه بود در حالیکه مدت ۹ روز و ۲۶ دقیقه از قرار هر روزی ۱۵۰۰ دلار تخلیه گردید در نتیجه ۴ روز و ۲ ساعت و ۲۲ دقیقه قبل از موعد مقرر کارش تمام شد و عمل تخلیه انجام گرفت و از این طریق از قرار روزی ۱۵۰۰ دلار برای مدت مزبور بصرفه دولت تمام شد

شکرهای مزبور در کبسه ناشوری ۵۰ کیلومی بود که از جمله ۲۶ کبسه بدریافت و غرق شد و در حدود ۲ هزار کبسه که نزدیک موتورخانه کشتی بوده کمی ضایع شده است و در کمرک مشغول تفکیک آنها از شکرهای سالم می باشند فعالیت و زحمات شبانه روزی و خستگی ناپذیر باربران و بارنویسان و مزدوران در کشتی و در ساحل که با مزد کم کار زیاد طاقت فرسا میکنند و در خورد و خوراک و شایان تحسین است همچنین خدمات و توجهات آقایان انیرویس کمرک بوشهر علی اکبر سبانی رئیس بندر و محمدعلی کیمی بیاناتک تخلیه شکر نباید از نظر دور داشت و ماتوفیقات ایشان و ادر راه خدمت به ملک و ملت آرزو میکنیم

هنکام ورود ناویان و افسران نیروی دریایی ایران به بندر بوشهر اعضاء جمعیت اتحاد ملی وابسته به جبهه ملی و مردم بوشهر از زن و مرد و خرد و کلان از آنها گرم و صمیمانه پذیرائی کردند

تیمسار دربار شاهین فرمانده خلیج فارس سرکار سرهنگ طباطبائی رئیس و کس چهارم سرهنگ اجودانی مهندس برای آورد هزینه تعمیرات عمارت های ابتدایی نیروی دریایی و معماری - میز آباد و مطالعات جهت استقرار منطقه نیروی دریایی به بوشهر وارد شدند

گفته میشود چند دستگاه عمارت واقعه در بطنی که سابقا محل کار کمپانی تلگراف کابل هند و اروپا ۵ کیپل اندو ایرلس بود از صاحبان عمارت مبلغ ۹۵۰ هزار ریال خریداری شده

و همچنین عمارت سبز آباد اقامتگاه جنرال کنسولگری سابق دولت انگلستان بمبلغ ۱۲۰۰ میلیون ریال از وزارت بهادری خریدار است گفته میشود که تاکنون انگلیس ها با اینکه پول فروش عمارت را از وزارت بهدای گرفته اند معهدا سند فروش و استاد انق لی مالکیت و ابدولت ایران تسلیم نکرده اند

ناویان افسران نیروی دریایی هنگام پیاده شدن از قایق در اداره کمرک بوشهر در آغوش گرم و بر مهر اعضاء جمعیت اتحاد ملی و سایر اهالی جا گرفتند همه جا فریاد زنده باد نیروی دریایی زنده باد شاد و مصدق و کاشانی پابنده باد استقلال مملکت از مردم بلند استقبال کنندگان مرتباً شعار میدادند يك گوشه پیش پای افسران قربانی شد

تیمسار شاهین نطق مشروح و مفصل و جالبی درباره خدمات مردم بوشهر در راه مملکت ایراد داشت و در پایان از آقای احمد اخگر لمابنده بوشهر بنام يك همکار قدیمی

گوناگون

بچه اوس
در این مملکت از سی مامورین دولت - چه آنها که قلم بدست دارند و چه آنها که تفنگ گول می کنند با باران و بونابون بکمر میبندند - خان رشوه خوار مرادم آزار با پوش ساژ بدگمان به معاملات دست و پا میباشند و از سی بجای خدمت خیانت میکنند که اگر کسی پیدا شود و انجام وظیفه نماید با خودش و پارمرد خیال می کنند بار و فتح خیر با حق اقرار کرده است؛ در سه است که ابد اصل تشویق خادم و تشییع خان رهایت شود تا خاتین صبر بگیرند و منتیه شوند و خادمین تشویق گردند و بکار و وظیفه خویش دلگرم و پای بند باشند اما این تشویق و تشییع هم مواردی و میزانی دارد که اگر از میزان و موارد خود تخطی و تجاوزی و انحرافی پیدا نماید اصل مزبور از میان خواهد رفت و تشخیص و تمبر بین خادمو خان و در سه و نادرست مشکل و دشوار میگردد

بین ما مردم رسم است که هر بدکار فاسد و ناجوانسرد را خوب و جوانسرد و شایسته بخوانیم مثلا بخلان کچیل زلفلی خطاب میکنند و فلان را که خیانت درامات میکند و دستش سبک است امین می خوانند یا کسیکه پوست بدش مثل پشم دنگ سیاه است «کافور» نام دارد

جناب تیسار! استوار زاندرمیری که از محل مالیات بیروان و زیر مردان زسنتکش و رستاخا حقوق میگردد و نوکر و مستخدم و اجیر همین مردم ساده قراء و قصبات است تصور می کند اگر مثلا و فرضا توانست آتش اخلاقی را فرو بپاشد با این چند تن آشتی بدمد و صلح و صفا بپايد کند شایسته تشویق و قدردانی و تجیید است و باید با مدال و درجه و رتبه و اضافه حقوق بدهند نه بطور نیست آقای عزیزم شما که حقوق میگیرید انجام وظیفه باید بکنید و اگر غیر از اینکه کار و وظیفه خود را بشو قانونی و شویبکه با مصالح و منافع دولت و ملت تطبیق نماید انجام دهید هر کس و رفتاری از شما سر

ولایت یاد کرد
شاهین گفت جوانان بوشهری در میان ناویان نیروی دریایی جنوب زیاد دیده میشوند و همه از افرادی خدمتگذار و لایق محسوب میگرددند افسران و ناویان نیروی دریایی که همراه پلنگ نار شاهنشاهی ایران به بوشهر آمده بودند بخرمشهر برگشتند و گفته میشود تا و آخر مهرماه منطقه آ دریایی بوشهر و فرماندهی خلیج و آموزشگاههای نیروی دریایی جنوب در بندر بوشهر مدتی خواهد شد

آقای سید حسین خاکسروش سرمیز حسابهای بنادر جنوب که از اعضاء جدی و لایق وزارت دارائی بشمار میرود پس از پایان مرخصی در تهران به بوشهر برگشته و اینک مشغول انجام وظیفه میباشد

آقای حسن صادقون با زرس مالی وزارت فرهنگ پس از انجام ماموریت به تهران برگشت ایشان هنگام مراجعت آقای علیباش بختیاری کفیل فرهنگ و آقای نجفیان کفیل حسابداری فرهنگ را مقود تشویق و قدردانی قرار داد

آقای سید رسول رشیدی معاون شهرداری برای استفاده از مرخصی بشیر از رفت

آقای حریفی رئیس پست و تلگراف شهرستان بوشهر با اینکه برای مدت یکم هفته از وزارت پست و تلگراف مرخصی گرفته است و ضمنا تعهد کرده که از نزدیک مراقبت جریان کارهای اداری است معهدا اینک مدتی است که در شیراز بسر میرود

مدبران پست و تلگراف ریک گناوه و دیلم نیز برای استفاده از مرخصی هر کس از گوشه ای فرارفته اند

بوند باید مؤاعده و تشییع شوند و سی البته اگر فی المثل که در مثل مناقشه نیست روز و روز گاری آمد از شماهاستند که از استان بکرا و سیاستیول مثل بله سرباز گرد جنگاور دفاع کنید و با اگر مانند انگلیس ها پیروز نمائید از بیب از پیش سربازان اس اس آلمان پس تشییع آنها که من شخصا شما را روی طبق میگردد و بر سر منبهم و حلوا حلوا میکنم از بعد سوم شهریور ۱۳۲۰ که در کتبه شونات اجناب می و اداری کشور وضعی موجود است که باید آرا در حرج و مرج و آنازیست ۴ بنامیم از نظر رفیق بازی و از نظر بدست آوردن دل و دادن آن فرض بکنید بگر سبب تلگراف تشویق و تجیید از فلان مامور کشوری یا لشکری سوی شهرستان و مرکز استان و پایتخت جاری شد این تلگراف بازی دیگر مد شده در معادل شصوسی و دوستانه در مجالس مهمانی و حتی سر باغ های کاهو و پیاز و نوبی مزه ها این جور تلگرافها تهیه و با مضامیر مبرسه و مغایره می شود در حالیکه دولت و مصادر امور نباید این جور تشویق نامه ها که حاکی از هوچیگری است بقدر خردلی ارج و ارزش بگذارند و ترتیبی بر دهند این کارها را باید هوچی بازی پشت هم اندازی دغل کاری و مغالطه و سفسطه و حقه و نیرنگ نامید

ایران بندر بوشهر!
یکی از دوستان دریا کنار از تهران نامه ای برای نویسنده گان دریا کنار فرستاده و در آن نوبت و مزده داده است که در پایتخت جمعیتی از بوشهریان مقیم آنجا در شرف تشکیل است و با تشکیل یافته «بنی مؤده گرگان شامم رواست» است این مؤده از امش جان مانند « این جمعیت میبایستی خیلی زود تر از این تشکیل شده باشد خوشبختانه همه بوشهریان در تهران کم نیست و ضمنا بوشهریان پایتخت با بازرگان و سوداگرند و با مشاغل و پستهای حساس و عهده دولتی را در اختیار دارند من هر گاه می شنیدم در روز نامه ها میخواندم که جمعیت های شهرهای عقب افتاده و کم اهمیت ایران در تهران چنین و چنان کرده و برای پیشرفت امور صنعتی الاحتی تجاری و امور اجتماعی و تعاونی و صحنی شهر و زاده گاه خودشان بسکک نمایندگان شهرهای مرور گامهای برجسته را برداشته اند دچار قهر اندوه میشدم و بیش خود میگفتم چرا نباید هم شهریان مادر تهران دور هم بنشینند و برای بندر بوشهر فکر بکنند!

ما با بیصیری هر چه تا متمر منظریم بیبنیم جمعیت بوشهریان مقیم پایتخت چه روش و ادرواه اصلاح و عمران شهر خود پیش خواهند گرفت انجام این کار محتاج اتحاد و هم آهنکی کلیه طبقات بوشهریان ساکن تهران میباشد بوشهریان در تهران از هر صنف و دسته و رسته ای و طبقه ای که هستند باید اتحاد و اتفاق و هم آهنکی را شعار و برنامه کار خود قرار دهند و از جدایی و تقاطع و اختلاف بیرون راندن و اتحاد با مساعدت یکدیگر با اتحاد و یگانگی و همبستگی کامل کاری افزایش ببرند!

همین اتحاد و اتفاق و هم آهنکی و همبستگی مردم پایتخت و مردم سراسر ایران بود که حکومت سیاه چهار روزه چرخیل وطنی واریستو کرات فرتوت را از بالای تخت صدارت زیر کشید و منقوفاً ننگنه بود و ای بحال آن کسی که... که صدایش را در سینه اش خفه ساختند

قوام السلطنه تکخال خشت دولت بر بنیادها را اتحاد مردم منکوب و مغلوب است و نگذاشت که دولت استعمارگر انگلیس آخرین برك بازی خود را روی میز قمار سیاست بگوید! یگانگی و اتفاق مردم قهرمان پایتخت مردم شهر سر فراز تهران بود که لکه ارتجاع را با خون خود شستند و غشاش خوم را از سالن کاخ ایش دور کردند

ملک التکلمین میرزا امیرنیکرخان صور اسرافیل سید جلال الدین کاشانی مؤید الاسلام، میرزا علی اکبر خات دهمضا و شیخ محمد خیابانی نویسنده گان و گویندگان زبردست توانا خردمند و انقلابی بکله اتحاد و یگانگی دوستان و هواداران خود توانستند در دوران مشروطیت نهال مشروطه را آبیاری کنند و پرورش دهند باقرخانها، ستارخانها، حیدر عساقولی ها و دکتر ششم و حضرات آفابان سید محمد طباطبائی و سید عبدالله جهانی و سایر مشعله ازان و پیشروان آزادی که اکنون نامشان بر پیشانی تاریخ ایرانت مانند اختر فروزانی مبدرخند و مشروطیت ما رهین و مدیونت بقیه درس ۳

آگهی های حصر وراثت

باو سنیر خلیل آزاد بقوامت خلیل حسن خانی مقیمه بر شهر دادخواستی بخواسته حصر وراثت دادگاه تعیین داد که بشماره ۳۰۰۷۲۲۲ ح ثبت مفاد آنکه غلامحسین حسن خانی درویش پور کتبه کتبه و وارث بالاجماعش عبارتند از پسرهای بنام خلیل حسن خانی دارنده ششنامه ۳۲۲۵۶ از بن حواهان که قبل از فوت غلامحسین مطلقه شده و یکزوجه داشته بنام زهره شرمی دارنده ششنامه شماره ۳۱۱ و غیر از این وارث نداشته و تقاضای صدور گواهی نامه نموده پس از انجام تشریفات قانونی استماع گواهی گواهان مراتب سه اوبت متوالی ماه یکشنبه در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران و روزنامه دریاکنار درج و آگهی میشود که هرکس نسبت بهر خواست مذکور اعتراض دارد و یا خود را وصی داشته و وصیت نامه در دست دارد در ظرف مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی بنام گواهان مراجعه نماید در غیر اینصورت و تقاضای مدت قانونی هرگونه اعتراضی با وصیت نامه ابراز شود (جز وصیت نامه سری روسی) از درجه اعتبار ساقط خواهد بود

۳-۲ شماره ۱۷۹۲ - ۳۱۳۲۲۱ داد رس دادگاه شهرستان بوشهر - کلهر

دادخواست ۲۲۸ - ۳۰ مدنی حاکیست که مرحوم حیدرآلایوف در ۱۳۲۹/۸/۱۱ در مسجد سلیمان که محل اقامت دائمی او بوده فوت شده و ورثه اش شش نفراند زوجه اش شاه بیگم سه پسر حسین قلی منصور و گوهر و دو دختر فاطمه و بی بی ماه می باشند پس از گواهی از گواهان مراتب سه اوبت متوالی در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی درج هرکس اعتراضی با وصیت نامه از متولی دارد ابراز و اگر نه آخر مدت گواهی صادر و هیچ وصیت نامه سری و سری پذیرفته نخواهد شد

۳-۲ دادرس علی ابینل دادگاه مسجد سلیمان - سیدعلوی برهانی

دادخواست ۳۹۸ - ۳۰ مدنی حاکیست که مرحوم حسین علی میر آوایی در ۱۳۲۹/۲/۲۴ در ماه ۱۳۳۰ در مسجد سلیمان که محل اقامت دائمی او بوده فوت شده و ورثه اش زوجه اش خانم عالی پور (متقاضیه) و سه پسر مراد علی و اجات علی و علی اجات چهار نفر می باشد پس از بازجویی از گواهان مراتب سه اوبت متوالی در روزنامه دریاکنار درج و آگهی میشود که هرکس اعتراضی با وصیت نامه از متولی دارد ابراز و اگر نه آخر مدت گواهی صادر و هیچ وصیت نامه سری و سری پذیرفته نخواهد شد

۳-۲ دادرس علی ابینل دادگاه مسجد سلیمان - سیدعلوی برهانی

دادخواست ۶۱۵ - ۲۹ مدنی حاکی است که معصوم فرزاد علی داد فراتریش در ۱۳۲۹/۱۱/۱۹ در مسجد سلیمان جایگاه دائم خود فوت شده و ورثه اش زوجه اش ماه بی بی (متقاضیه) و غفور و فاطمه و اولاد متوفی میباشد پس از بازجویی از گواهان مراتب در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی دریاکنار سه اوبت متوالی درج هرکس اعتراضی با وصیت نامه از متولی دارد ابراز و اگر نه آخر مدت گواهی صادر و هیچ وصیت نامه سری و سری پذیرفته نخواهد شد

۳-۲ دادرس علی ابینل دادگاه مسجد سلیمان - سیدعلوی برهانی

دادخواست شماره ۴۸۰ - ۳۰ مدنی حاکی است که مرحوم حسن فراتریش در ۳۰/۱۲/۱۱ در مسجد سلیمان که محل اقامت دائمی او بوده فوت شده و ورثه متوفی یک پسر رضا و دو دختر مهین و فاطمه و یکزوجه باب کلیه چهار نفر می باشند پس از بازجویی از گواهان مراتب در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی در روزنامه دریاکنار سه اوبت متوالی منتشر هرکس اعتراضی با وصیت نامه از متولی دارد ابراز و اگر نه آخر مدت گواهی صادر و هیچ وصیت نامه سری و سری پذیرفته نخواهد شد

۳-۲ دادرس علی ابینل دادگاه مسجد سلیمان - سیدعلوی برهانی

دادخواست ۴۵۷ - ۳۰ مدنی حاکیست که مرحوم رحب علی پری زاد در ۱۳۲۹/۸/۲۱ در مسجد سلیمان که محل اقامت دائمی او بوده فوت شده و ورثه اش زوجه او زینب و یک پسر حسین و سه دختر فخرآفرین و شاه پری و تاج ماموجوا هم می باشند پس از بازجویی از گواهان مراتب در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی در روزنامه دریاکنار دو اوبت متوالی منتشر هرکس اعتراضی با وصیت نامه از متولی دارد ابراز و اگر نه آخر مدت گواهی صادر و هیچ وصیت نامه سری و سری پذیرفته نخواهد شد

۳-۲ دادرس علی ابینل دادگاه مسجد سلیمان - سیدعلوی برهانی

دادخواست ۳۵۲ - ۳۰ مدنی حاکیست که مرحوم احمد جیلانی فرسوم لروردین ماه ۱۳۲۹ در شهر اصفهان فوت شده و محل اقامت دائمی او مسجد سلیمان میباشد و ورثه آن مرحوم ۷ نفراند چهار پسر بیاضلی و حسین و کاظم و محمد و دو دختر مهین و سرت و یک زوجه دائمی مستخدمه نامی پس از بازجویی از گواهان مراتب سه ماه در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی در روزنامه دریاکنار دو اوبت متوالی منتشر هرکس اعتراضی با وصیت نامه از متولی دارد ابراز و اگر نه آخر مدت گواهی صادر و هیچ وصیت نامه سری و سری پذیرفته نخواهد شد

۳-۲ دادرس علی ابینل دادگاه مسجد سلیمان - سیدعلوی برهانی

دادخواست ۳۶۱ - ۳۰ مدنی حاکیست که مرحوم قلامعلی در ۲۶/۸/۲۹ در مسجد سلیمان که محل اقامت دائمی او بوده فوت شده و ورثه او بیات زوجه اش و یک پسر حبیبیه نام و یک دختر خدیجه می باشد پس از بازجویی از گواهان مراتب در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه دریاکنار سه اوبت متوالی منتشر هرکس اعتراضی با وصیت نامه دارد ابراز و اگر نه آخر مدت گواهی صادر و هیچ گونه وصیت نامه سری و سری پذیرفته نخواهد شد

۳-۲ دادرس علی ابینل دادگاه مسجد سلیمان - سیدعلوی برهانی

دانش پرده سیات

بقیه از ۱
بعد از این ماجرا تاروز دوشنبه بیستم مردادماه ۱۳۳۰ اطلال وار صحنههایی که در اطراف او میشد خبر نبود ولی دامننا هله هله خنده حیرتگرایها خرداندند که ملک خلیل سلطنت خود خانه دادند بجای از اطراف خرواق بیات حضرت (پراس حیدرآزاد خردانش سلطنت اردن منصوب گردیده و همین ترتیب یک ماجرای سیاسی و پسر دلفرا در اردن هاشمی خانه دادند و ملک خلیل پسر و سرخنده پسر پسر پسر ملک قاروق رفت و سزای جاسارت خود را از اربابان کلوب پاهای دریافت کرد

توز در گوش جان مردم اردن این گفته ملک خلیل که دو افرانه و بربری باهه ای سفارت انگلیس و در برابر جمع کثیری مردم اظهار داشت زنده باد مردم اردن و مرده باد امپریالیست انگلیس صدا می کند

برای یک پادشاه آدم پادشاه نمکیند مانند اردن ها شیهه که در جنگال کلوب باها مانه موم نرم است اظهار یکجبهه مطبوعی زبان آور است و در نه باز در این زبان بر کناری طلال از تاج و تخت دورونی او بود

طلال در آن روز ها که هنوز ملک میدانست بر پهنای ملت اردن هاشمی حکومت میکرد بطرز فکر بد خود که از کلوب پاهای اتمام میگرفت مخالف بود و بازها در مواقع مناسب پنجه در پنجه کلوب پاهای میدانست وجود اورا برای سلطنت خود زبان آور میداشت این مخالفها باهت که یکروز در تمام دنیا شایع گردید ملک طلال اختلال حواس دارد و برای منالجه عالم سوس است و بعد از این انتشارات ملک طلال از اربابان بسوی سوس حرکت کرد و تاروزی که ملک میدانست ضرب گلوله ای در صحن یکی از مساجد ریاض بخاک و خون در غلطیه امیر طلال فرسوس تحت شرایط خاصی زنده می گردد و وقتی هم که بر سر زمین پادشاه جدید برای اردن هاشمی صحبت میشد وجود طلال را با کیفیت ظاهری برای سلطنت اردن نشر میدانست ولی وقتی در پیش برده سیاست برای سلطنت طلال توافق نظر حاصل گردید روزیبه این کار فراهم شد امیر طلال را با همه امراضی که میگرفتند در او وجود دارد با احترام خاصی برایش آبرو دادند و مقام سلطنت را باو تفویض نمودند

اما او که اصولا تربیت خاصی یافته بود و نمیشد استعمار ملت مشرق زمین را بدهد احترام نگریست بیوه را تحت نه نشدند در دوران سلطنت گویا خود کلوب پادشاه را از خود دور کرد و تالیات شه انگلیسی از خود نشان داد تا بالاخره تاج و تخت اردن را به الفخ پسرش شاهزاده حسین ترک نمود و سلطنت بر دوشه غه خود خانه داد و خاطر کسانی را که اردن و امتثال اردن را ملک طلال خودشان میدانند راحت نمود ولی با این هوش آتشی که در کان لوب آزاد آزاد بخواد نهفته است خاموش میشود

روزی خواهد آمد که همه این آتش چشم کسانی را که با قدرت ملوینها مردم آزاده بازی می کنند تیره و تار خواهد کرد

امید آرزو

آگهی حصر وراثت

دادخواست ۵۳ - ۳۱ مدنی حاکی است که مرحوم آقایی مهین پوریان در مسجد سلیمان که محل اقامت دائمی او بود فراتریش در ۱۳۳۰/۷/۱۷ فوت شده و ورثه اش ۹ نفراند دو پسر - خانم آقا و فاطمه و ۲ فر اولاد نامی زهر فرخنده - فریدون - فرح - سیروس - پهورز - سیمای می باشد پس از بازجویی از گواهان مراتب در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه دریاکنار سه اوبت متوالی منتشر هرکس اعتراضی با وصیت نامه از متولی دارد ابراز و اگر نه آخر مدت گواهی صادر و هیچ وصیت نامه سری و سری پذیرفته نخواهد شد

۳-۲ دادرس علی ابینل دادگاه مسجد سلیمان - سیدعلوی برهانی

دادخواست ۲۷۵ - ۳۰ مدنی حاکی است که مرحوم مراد سخاوت مندی در ۳۰/۲/۲۹ در مسجد سلیمان که محل اقامت دائمی او بوده فوت شده و ورثه آن مرحوم ۵ نفراند مادرش غیرالمنان و زینب شاه سلطان و دو پسر کریم و محمد مراد و یک دختر مهین می باشد و وصیت هم نموده است بطور متوالی و جواب و سری خود آقایی عبدالصغیر سنی و علیخان امیر ترار داده که در نوشت وصیت نامه آن مرحوم بیوست برورنه است پس از بازجویی از گواهان مراتب سه ماه متوالی در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه دریاکنار منتشر هرکس اعتراضی دارد با وصیت نامه متولی در ظرف مدت مقرر ابراز و اگر نه آخر مدت گواهی صادر خواهد شد و هیچگونه اعتراضی پذیرفته نخواهد شد

۳-۲ دادرس علی ابینل دادگاه مسجد سلیمان - سیدعلوی برهانی

دادخواست ۳۰۲ - ۳۰ مدنی حاکیست که اورعلی در ۲۶/۲/۲۹ در مسجد سلیمان که محل اقامت دائمی او بوده فوت شده و ورثه اش پسرش بیاضلی و مادرش زینب و زوجه آن مرحوم زینب و دخترش فرنگیس است و زوجه آن مرحوم در ماهه حمل دارد و پس از بازجویی از گواهان مراتب سه اوبت متوالی در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه دریاکنار منتشر هرکس اعتراضی دارد با وصیت نامه از متولی دارد ابراز و اگر نه آخر مدت گواهی صادر و هیچگونه اعتراضی با وصیت نامه جز رسمی و سری پذیرفته نخواهد شد

۳-۲ دادرس علی ابینل دادگاه مسجد سلیمان - سیدعلوی برهانی

دادخواست ۴۱۰ - ۳۰ مدنی که مرحوم حاج محمد رضا سلمی در شهر شوش در ۲۶/۱۱/۱۳۳۰ که محل اقامت دائمی او بوده فوت شده و ورثه او ۷ نفراند زوجه اش خاتون جان و سه پسر کاظم و محمد حسین و زمان و غ و دختر فاطمه و خدیجه و کریم و حبیبیه میباشد پس از بازجویی از گواهان مراتب سه ماه متوالی در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه دریاکنار منتشر هرکس اعتراضی دارد با وصیت نامه از متولی دارد ابراز و اگر نه آخر مدت گواهی صادر و هیچگونه وصیت نامه جز رسمی و سری پذیرفته نخواهد شد

۳-۲ دادرس علی ابینل دادگاه مسجد سلیمان - سیدعلوی برهانی

دادخواست ۴۵۴ - ۳۰ مدنی حاکی است که مراد عبد الشاه در تاریخ ۱۱/۱۱/۱۳۳۰ در مسجد سلیمان که محل اقامت دائمی او بوده فوت شده و ورثه اش زوجه اش جان افروز و دو پسر بنام قیاسی و ابراهیم می باشند پس از بازجویی از گواهان مراتب سه اوبت متوالی در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه دریاکنار منتشر هرکس اعتراضی دارد با وصیت نامه از متولی دارد ابراز و اگر نه آخر مدت گواهی صادر و هیچ وصیت نامه جز رسمی و سری پذیرفته نخواهد شد

۳-۲ دادرس علی ابینل دادگاه مسجد سلیمان - سیدعلوی برهانی

دادخواست ۲۳۰ - ۳۰ مدنی حاکی است که شهر محمد فرزند سید علی در تاریخ ۱۷/۱۱/۱۳۳۰ در مسجد سلیمان که جایگاه دائمی او بوده فوت شده و ورثه اش ۱۰ نفراند (متقاضیه) و دو پسر نام سهراب و داراب و یک دختر فرات نام می باشد پس از بازجویی از گواهان مراتب سه اوبت متوالی در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه دریاکنار سه اوبت متوالی منتشر هرکس اعتراضی با وصیت نامه از متولی دارد ابراز و اگر نه آخر مدت گواهی صادر و هیچ وصیت نامه جز رسمی و سری پذیرفته نخواهد شد

۳-۲ دادرس علی ابینل دادگاه مسجد سلیمان - سیدعلوی برهانی

دادخواست ۳۰۳ - ۳۰ مدنی حاکی است که مرحوم عجم آباد بان در مسجد سلیمان جایگاه خود در ۲۸/۳/۳۰ فوت شده و ورثه اش شاه زمان و زوجه متوفی (متقاضیه) و یک پسر جبار نام و چهار دختر مراد منظر و کل طلا و دختر س کل مرجان محبوبا فاش اکتای پس از بازجویی از گواهان مراتب در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه دریاکنار سه اوبت متوالی منتشر هرکس اعتراضی با وصیت نامه از متولی دارد ابراز و اگر نه آخر مدت گواهی صادر و هیچ وصیت نامه جز رسمی و سری پذیرفته نخواهد شد

۳-۲ دادرس علی ابینل دادگاه مسجد سلیمان - سیدعلوی برهانی

دادخواست ۲۷۱ - ۳۰ مدنی حاکیست که مرحوم محمد زمان در تاریخ ۱۰/۵/۱۳۲۷ در لالی بین توابع مسجد سلیمان که جایگاه دائمی او بوده فوت شده و ورثه او بی بی زینب هاشمی فرد و ذکیکر زوجه متوفی و حسین علی هاشمی پور رشتی پسر برادر متوفی می باشد

پس از بازجویی از گواهان مراتب سه اوبت متوالی در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه دریاکنار دو اوبت متوالی منتشر هرکس اعتراضی با وصیت نامه از متولی دارد ابراز و اگر نه آخر مدت گواهی صادر و هیچ گونه وصیت نامه سری و سری پذیرفته نخواهد شد

۳-۲ دادرس علی ابینل دادگاه مسجد سلیمان - سیدعلوی برهانی

بقیه گوناگون از صفحه ۲

حاجان با زینب و فدا کارها و از خود گذشتگی آنان و سایر آزاد بخوانان می باشد در پناه بکرانگی و محبت انگلیس مردم در سایه ائتلاف خلق ایران که در اس آه خلق آنرا با جان و مردم دایر آرد پاره کرده برادر و هم یون ما هستند فرار دارند توانسته

نمونه افلاکی و جنبش بزرگ میهنی ملی مستبدین و بیگانه برستان توسعه و توسعه داده و درخت آزادی را بارور سازند اکنون که در آستانه چهل و هفتمین سال شرفیبت فرا گرفته ایم و مردم بر تمام آزاد بخوانان ایران چه آنها که بیگانه کرده اند و گفته

منو و منو چهر

((دریای مدیترانه))

بایه اوس ۱
مساحت دریای مدیترانه متجاوز از یک میلیون میل مربع است و اوضاع آنکه بطور (شرق و غرب) واقع است سواحل شمالی آن سواحل جنوبی اروپا و سواحل جنوبی آن نیز سواحل شمالی افریقا می باشد و دهانه یا مدخل غربی آن که همان تنگه جبل الطارق است
محل جنرال قیاسی آن ۳۶ درجه عرض شمالی خط استوا و ۶ درجه طول غربی خط صف النهار گرینویچ - و انتهای دریای مدیترانه عبارت باشد از یونان می باشد محل جزایرهای آن ۳۳ درجه ۵۳ دقیقه و ۱۵ ثانیه عرض شمالی ۳۵ درجه ۲۷ دقیقه و ۹ ثانیه طول غربی خواهد بود کما اینکه همین دریای مدیترانه با ۱۵ جزایر است که اشهر آنها آریا باسیلی (مسای) خاورمیانه) معمولی نامیده اند از سواحل طرف کشور های اسپانیا ، فرانسه ، ایتالیا ، یونان ، آلبانی ، گویک ، ترکیه ، و از طرف دیگر آلبانی ، الجزیره تونس ، لیبی ، مصر ، اردن ، فلسطین ، سوریه آریا تشکیل خواهند داد
و قسمت شمالی آن که شمال غربی کشور ایتالیا است در پای امپراتوریه ولست شمال غربی آن نیز بحرهای اژه ، و مدیترانه و بسفور که بحرهای سیاه منتهی می گردند
و کمال سوس این که در انتهای شرقی دریای مدیترانه در جنوب واقع است (پس از طی ۸۷ میل) به بحر اسمر که طول آن متجاوز از (۱۶۰۰ میل است) به باب المندب و خلیج عدن - باقیانوس هند ملحق خواهد گردید
و اما جزیره مهم و خیلی کوچک (مالته) که مساحت آن فقط ۹۶ میل مربع و محل جزایرهای آن ۲۵ درجه ۵۶ دقیقه و ۵۸ ثانیه عرض شمالی ۱۴ درجه ۲۷ دقیقه و ۹ ثانیه طول غربی است در وسط دریای مدیترانه و مرکز جزایر دریای و هوایی دولت بریتانیا می باشد
کاپیتان عباس فریادورد

رویش را طرف جنوب که در محاسره سروان فراوان است کرده و با معای فرم و برهمنی گشت
منوچهر درانی غیال کرده منوتی از چنگ من مهن فروری، زکی ۱۰۰۰
منگه لیبونی برای سلکت باید خدمت کرد چه مردم وظیفه شناسی هستند
فطرات ظریف و مروارید نام فرق از پیشانی و همه جای صورت منو سرواز فراری میزاید فیهک مسموم و جوی دهانه با آستین دست صورتش را پاک کرد و با کینه غضب منیب و ناگفتنی بر روی زمین تلف انداخت بعد استوان سر گروهبان جوان داد مال و زرا عثم از بین میرفت رفتن غلام بردارم هفتور روز من ماهه بود ماقوم ناخوش و دم مرگ بود گامم سروا بود پشم و مویش چند تا بزو منجم لیبی بودم آفرین کارهای آبی میگردم... مگر اینها خدمت نیست! فیهک سر گروهبان بلنه شد خاک بر سرش کنند احسن الله له حالا بوش شروع میدم این کارها را و کی باید بکنم مرد که خرابکار سر باز خواهد هم خونه خاله است سر و ساری اولیایم کلاه آدم میریزد باید چون بکنن باید خار بخوری و باز بری سروازی است از برکت چتره...
منورا بوسیله یکی از کامیونای بارکش ارتش از امر به بوهو فرستاده و پس از آنکه خوب را نکش کاری کردند و ممت و لنگه دانه شلات زبانی خوردند فحش خرابکار و مادر تحویل گرفت و ندان انداختندش تا بعد از آنکه دست زدنای خود را طی کرد بعد از برپا کردن ارتش وارد هود و انجام وظیفه کند

کمال سوس این که در انتهای شرقی دریای مدیترانه در جنوب واقع است (پس از طی ۸۷ میل) به بحر اسمر که طول آن متجاوز از (۱۶۰۰ میل است) به باب المندب و خلیج عدن - باقیانوس هند ملحق خواهد گردید
و اما جزیره مهم و خیلی کوچک (مالته) که مساحت آن فقط ۹۶ میل مربع و محل جزایرهای آن ۲۵ درجه ۵۶ دقیقه و ۵۸ ثانیه عرض شمالی ۱۴ درجه ۲۷ دقیقه و ۹ ثانیه طول غربی است در وسط دریای مدیترانه و مرکز جزایر دریای و هوایی دولت بریتانیا می باشد
کاپیتان عباس فریادورد

رویش را طرف جنوب که در محاسره سروان فراوان است کرده و با معای فرم و برهمنی گشت
منوچهر درانی غیال کرده منوتی از چنگ من مهن فروری، زکی ۱۰۰۰
منگه لیبونی برای سلکت باید خدمت کرد چه مردم وظیفه شناسی هستند
فطرات ظریف و مروارید نام فرق از پیشانی و همه جای صورت منو سرواز فراری میزاید فیهک مسموم و جوی دهانه با آستین دست صورتش را پاک کرد و با کینه غضب منیب و ناگفتنی بر روی زمین تلف انداخت بعد استوان سر گروهبان جوان داد مال و زرا عثم از بین میرفت رفتن غلام بردارم هفتور روز من ماهه بود ماقوم ناخوش و دم مرگ بود گامم سروا بود پشم و مویش چند تا بزو منجم لیبی بودم آفرین کارهای آبی میگردم... مگر اینها خدمت نیست! فیهک سر گروهبان بلنه شد خاک بر سرش کنند احسن الله له حالا بوش شروع میدم این کارها را و کی باید بکنم مرد که خرابکار سر باز خواهد هم خونه خاله است سر و ساری اولیایم کلاه آدم میریزد باید چون بکنن باید خار بخوری و باز بری سروازی است از برکت چتره...
منورا بوسیله یکی از کامیونای بارکش ارتش از امر به بوهو فرستاده و پس از آنکه خوب را نکش کاری کردند و ممت و لنگه دانه شلات زبانی خوردند فحش خرابکار و مادر تحویل گرفت و ندان انداختندش تا بعد از آنکه دست زدنای خود را طی کرد بعد از برپا کردن ارتش وارد هود و انجام وظیفه کند

کمال سوس این که در انتهای شرقی دریای مدیترانه در جنوب واقع است (پس از طی ۸۷ میل) به بحر اسمر که طول آن متجاوز از (۱۶۰۰ میل است) به باب المندب و خلیج عدن - باقیانوس هند ملحق خواهد گردید
و اما جزیره مهم و خیلی کوچک (مالته) که مساحت آن فقط ۹۶ میل مربع و محل جزایرهای آن ۲۵ درجه ۵۶ دقیقه و ۵۸ ثانیه عرض شمالی ۱۴ درجه ۲۷ دقیقه و ۹ ثانیه طول غربی است در وسط دریای مدیترانه و مرکز جزایر دریای و هوایی دولت بریتانیا می باشد
کاپیتان عباس فریادورد

تقدیر از اقدامات سازمان خواربار و کشاورزی

آگهی

لینک «میشکان» دکتر کارول برانت یکی از محققین مسائل خواربار دانشگاه کالفرنیا نقطی ایراد کرد و با اینکه باقیه ملل آزاد جهان برای کمک بکشور های عقب مانده موافقت کرد طرز اجرای نقشه مزبور را شدیداً مورد انتقاد قرارداد
برانت که یکی از متخصصین معروف کشاورزی امریکای می باشد از اقدامات سازمان خواربار و کشاورزی نچید و ستایش نمود ولی خاطر نشان ساخته که عملیات این سازمان بعلت مسعود بودن بودجه و تعداد کارمندان ناچیز بوده است
وی گفت با اینکه سازمان مزبور با کمک قتی به ۶۷ کشور جهان کار بسیار مهمی انجام داده است در صورتی که بودجه اش از ۱۰ میلیون دلار تجاوز نکرده است
برانت خاطر نشان ساخت که وظیفه برنامه اصل چه-آرم این است که اصول نوین فلاحه و در اختیار کشاورزان بگذارد

نظر بناده دوازده اصلاحی قانون ثبت و مواد ۶۴ و ۵۹ و آیین نامه ثبت نام اشخاصی که در سه ماهه اول سال ۱۳۳۱ نسبت باملاک واقع در بخش دوشهر حومه شهر درخواست ثبت نموده اند و همچنین املاکی که در بخش مزبور و قسمت دروازه اشنبه در آگهی طبق رای هیئت نظارت بایستی آگهی آنها تجدید شود باز که شماره پلاک و نوع ملک و محل وقوع برای اطلاع عموم آگهی میشود
اول اظهارنامه پررشته از بخش ۵۰
۵۵۵- آقای سید ابوالقاسم کاوری مقصدی ثلث مرحوم کارزونی شهیدانک بیکقطعه زمین در کوی مفتح بعنوان ثلث دوم املاکی که طبق رای هیئت نظارت آگهی آنها تجدید میشود
۱- ۲۱۵- آقای ابوالقاسم طیار شهیدانک بیکقطعه زمین در کوی دوآس انتقالی از عهد العیاس غلامی نژاد که معامله و اطلاع اداره ثبت از وقوع معامله قبل از صدور آگهی نوبتی بوسیله دوم و سوم داده است هر کس نسبت باملاک نامبرده بالا وخواهی دارد طبق ماده ۱۶ قانون ثبت بایستی از تاریخ انتشار اولین آگهی نوبتی (اول مرداد ۳۱ تا نود روز دادخواست وخواهی خود را بداره ثبت بوشهر تسلیم نماید و اگر هم بین تقاضا کننده ثبت بادیگری قید نسبت باین املاک اقامه دعوی شده طبق ماده ۱۷ قانون ثبت کسی که طرف دعوی یا در خواست کننده ثبت است بایستی گواهی دادگاه که دعوی در آن مطرح است از تاریخ انتشار اولین آگهی نوبتی تا نود روز مشرف بر حریان دعوی اخذ و بداره ثبت بوشهر تسلیم نماید والا حق او ساقط خواهد شد تعیین حدود این املاک طبق مواد ۱۱۴ و ۱۵ قانون ثبت بعمل خواهد آمد وخواهی بعد و حقوق ارتقائی طبق ماده ۲۰ قانون ثبت پذیرفته خواهد شد این آگهی سه نوبت ظرف شصت روز هر بیست روز یکمرتبه منتشر خواهد شد تاریخ انتشار نوبت سوم ۱۰ شهریور ماه ۲۱ شماره ۱۳۰۶ رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر- سید احمد هاشمی

آگهی

آگهی نوبتی

استحضار را بعرض میرساند که اینجناب عضو هیج یک از احزاب لیود هیچ فرقه و دسته بستگی ادارم و لویز عقیده و تصمیم لدارم که در آتیه عضویت حزبی را قبول نماید
علی اصغر احدی کارمند فرهنگ بوشهر

نظر بناده دوازده اصلاحی قانون ثبت و مواد ۶۴ و ۵۹ و آیین نامه ثبت نام اشخاصی که در سه ماهه اول سال ۱۳۳۱ نسبت باملاک واقع در بخش دوشهر حومه شهر درخواست ثبت نموده اند و همچنین املاکی که در بخش مزبور و قسمت دروازه اشنبه در آگهی طبق رای هیئت نظارت بایستی آگهی آنها تجدید شود باز که شماره پلاک و نوع ملک و محل وقوع برای اطلاع عموم آگهی میشود
اول اظهارنامه پررشته از بخش ۵۰
۵۵۵- آقای سید ابوالقاسم کاوری مقصدی ثلث مرحوم کارزونی شهیدانک بیکقطعه زمین در کوی مفتح بعنوان ثلث دوم املاکی که طبق رای هیئت نظارت آگهی آنها تجدید میشود
۱- ۲۱۵- آقای ابوالقاسم طیار شهیدانک بیکقطعه زمین در کوی دوآس انتقالی از عهد العیاس غلامی نژاد که معامله و اطلاع اداره ثبت از وقوع معامله قبل از صدور آگهی نوبتی بوسیله دوم و سوم داده است هر کس نسبت باملاک نامبرده بالا وخواهی دارد طبق ماده ۱۶ قانون ثبت بایستی از تاریخ انتشار اولین آگهی نوبتی (اول مرداد ۳۱ تا نود روز دادخواست وخواهی خود را بداره ثبت بوشهر تسلیم نماید و اگر هم بین تقاضا کننده ثبت بادیگری قید نسبت باین املاک اقامه دعوی شده طبق ماده ۱۷ قانون ثبت کسی که طرف دعوی یا در خواست کننده ثبت است بایستی گواهی دادگاه که دعوی در آن مطرح است از تاریخ انتشار اولین آگهی نوبتی تا نود روز مشرف بر حریان دعوی اخذ و بداره ثبت بوشهر تسلیم نماید والا حق او ساقط خواهد شد تعیین حدود این املاک طبق مواد ۱۱۴ و ۱۵ قانون ثبت بعمل خواهد آمد وخواهی بعد و حقوق ارتقائی طبق ماده ۲۰ قانون ثبت پذیرفته خواهد شد این آگهی سه نوبت ظرف شصت روز هر بیست روز یکمرتبه منتشر خواهد شد تاریخ انتشار نوبت سوم ۱۰ شهریور ماه ۲۱ شماره ۱۳۰۶ رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر- سید احمد هاشمی

آگهی حور وراثت

آگهی

دادخواست شماره ۴۵۶- ۳۰۰ مدعی حاکمیت که حاجی احمد مریدیور دوشهر هوشهر در تاریخ ۱۳۲۸م که محل اقامت دانسی او بوده فوت شده وراثت بکارجه دانسی بکم و یک پسر علی اکبر و چهار دختر کوچک و وسنا و سمومه و سلطان که میوهها شش نفرانه می باشد پس از باوجودی از کوا خان مراب در روزنامه رسمی کشور هاشمناهی و روزنامه دوما کنار سه نوبت متوالی منتشر هر کس اعتراض یا وصیت نامه اوتوفی دارد در طرف سه ماه از اول روزگرفته آخرت معتر گواهی صادر و هیچ وصیتی جز رسمی و سری پذیرفته نخواهد شد
مدعی علی الهیال دادگاه مسجد سلیمان- سید علوی برهان

هدیه ملك فيصل پادشاه عراق
واشنگتن - پس از آنکه ملك فيصل پادشاه عراق از محل بنای مسجد مسلمانان در واشنگتن دیدن کرد اعلام شد که پادشاه عراق تمهد نمود مبلغ ۲۸۰۰ دلار هصفا برای تکمیل بنای موزور بیدارده
در موقع ورود ملك فيصل ببعث بنای مسجد مسلمانان همه ای از دیلماتهای کشورهای مسلمان باخانواده خود از پادشاه عراق استقبال کردند

بایه اوس ۱
منگه لیبونی برای سلکت باید خدمت کرد چه مردم وظیفه شناسی هستند
فطرات ظریف و مروارید نام فرق از پیشانی و همه جای صورت منو سرواز فراری میزاید فیهک مسموم و جوی دهانه با آستین دست صورتش را پاک کرد و با کینه غضب منیب و ناگفتنی بر روی زمین تلف انداخت بعد استوان سر گروهبان جوان داد مال و زرا عثم از بین میرفت رفتن غلام بردارم هفتور روز من ماهه بود ماقوم ناخوش و دم مرگ بود گامم سروا بود پشم و مویش چند تا بزو منجم لیبی بودم آفرین کارهای آبی میگردم... مگر اینها خدمت نیست! فیهک سر گروهبان بلنه شد خاک بر سرش کنند احسن الله له حالا بوش شروع میدم این کارها را و کی باید بکنم مرد که خرابکار سر باز خواهد هم خونه خاله است سر و ساری اولیایم کلاه آدم میریزد باید چون بکنن باید خار بخوری و باز بری سروازی است از برکت چتره...
منورا بوسیله یکی از کامیونای بارکش ارتش از امر به بوهو فرستاده و پس از آنکه خوب را نکش کاری کردند و ممت و لنگه دانه شلات زبانی خوردند فحش خرابکار و مادر تحویل گرفت و ندان انداختندش تا بعد از آنکه دست زدنای خود را طی کرد بعد از برپا کردن ارتش وارد هود و انجام وظیفه کند

منو و منو چهر
رویش را طرف جنوب که در محاسره سروان فراوان است کرده و با معای فرم و برهمنی گشت
منوچهر درانی غیال کرده منوتی از چنگ من مهن فروری، زکی ۱۰۰۰
منگه لیبونی برای سلکت باید خدمت کرد چه مردم وظیفه شناسی هستند
فطرات ظریف و مروارید نام فرق از پیشانی و همه جای صورت منو سرواز فراری میزاید فیهک مسموم و جوی دهانه با آستین دست صورتش را پاک کرد و با کینه غضب منیب و ناگفتنی بر روی زمین تلف انداخت بعد استوان سر گروهبان جوان داد مال و زرا عثم از بین میرفت رفتن غلام بردارم هفتور روز من ماهه بود ماقوم ناخوش و دم مرگ بود گامم سروا بود پشم و مویش چند تا بزو منجم لیبی بودم آفرین کارهای آبی میگردم... مگر اینها خدمت نیست! فیهک سر گروهبان بلنه شد خاک بر سرش کنند احسن الله له حالا بوش شروع میدم این کارها را و کی باید بکنم مرد که خرابکار سر باز خواهد هم خونه خاله است سر و ساری اولیایم کلاه آدم میریزد باید چون بکنن باید خار بخوری و باز بری سروازی است از برکت چتره...
منورا بوسیله یکی از کامیونای بارکش ارتش از امر به بوهو فرستاده و پس از آنکه خوب را نکش کاری کردند و ممت و لنگه دانه شلات زبانی خوردند فحش خرابکار و مادر تحویل گرفت و ندان انداختندش تا بعد از آنکه دست زدنای خود را طی کرد بعد از برپا کردن ارتش وارد هود و انجام وظیفه کند

منو و منو چهر
رویش را طرف جنوب که در محاسره سروان فراوان است کرده و با معای فرم و برهمنی گشت
منوچهر درانی غیال کرده منوتی از چنگ من مهن فروری، زکی ۱۰۰۰
منگه لیبونی برای سلکت باید خدمت کرد چه مردم وظیفه شناسی هستند
فطرات ظریف و مروارید نام فرق از پیشانی و همه جای صورت منو سرواز فراری میزاید فیهک مسموم و جوی دهانه با آستین دست صورتش را پاک کرد و با کینه غضب منیب و ناگفتنی بر روی زمین تلف انداخت بعد استوان سر گروهبان جوان داد مال و زرا عثم از بین میرفت رفتن غلام بردارم هفتور روز من ماهه بود ماقوم ناخوش و دم مرگ بود گامم سروا بود پشم و مویش چند تا بزو منجم لیبی بودم آفرین کارهای آبی میگردم... مگر اینها خدمت نیست! فیهک سر گروهبان بلنه شد خاک بر سرش کنند احسن الله له حالا بوش شروع میدم این کارها را و کی باید بکنم مرد که خرابکار سر باز خواهد هم خونه خاله است سر و ساری اولیایم کلاه آدم میریزد باید چون بکنن باید خار بخوری و باز بری سروازی است از برکت چتره...
منورا بوسیله یکی از کامیونای بارکش ارتش از امر به بوهو فرستاده و پس از آنکه خوب را نکش کاری کردند و ممت و لنگه دانه شلات زبانی خوردند فحش خرابکار و مادر تحویل گرفت و ندان انداختندش تا بعد از آنکه دست زدنای خود را طی کرد بعد از برپا کردن ارتش وارد هود و انجام وظیفه کند

منو و منو چهر
رویش را طرف جنوب که در محاسره سروان فراوان است کرده و با معای فرم و برهمنی گشت
منوچهر درانی غیال کرده منوتی از چنگ من مهن فروری، زکی ۱۰۰۰
منگه لیبونی برای سلکت باید خدمت کرد چه مردم وظیفه شناسی هستند
فطرات ظریف و مروارید نام فرق از پیشانی و همه جای صورت منو سرواز فراری میزاید فیهک مسموم و جوی دهانه با آستین دست صورتش را پاک کرد و با کینه غضب منیب و ناگفتنی بر روی زمین تلف انداخت بعد استوان سر گروهبان جوان داد مال و زرا عثم از بین میرفت رفتن غلام بردارم هفتور روز من ماهه بود ماقوم ناخوش و دم مرگ بود گامم سروا بود پشم و مویش چند تا بزو منجم لیبی بودم آفرین کارهای آبی میگردم... مگر اینها خدمت نیست! فیهک سر گروهبان بلنه شد خاک بر سرش کنند احسن الله له حالا بوش شروع میدم این کارها را و کی باید بکنم مرد که خرابکار سر باز خواهد هم خونه خاله است سر و ساری اولیایم کلاه آدم میریزد باید چون بکنن باید خار بخوری و باز بری سروازی است از برکت چتره...
منورا بوسیله یکی از کامیونای بارکش ارتش از امر به بوهو فرستاده و پس از آنکه خوب را نکش کاری کردند و ممت و لنگه دانه شلات زبانی خوردند فحش خرابکار و مادر تحویل گرفت و ندان انداختندش تا بعد از آنکه دست زدنای خود را طی کرد بعد از برپا کردن ارتش وارد هود و انجام وظیفه کند

منو و منو چهر
رویش را طرف جنوب که در محاسره سروان فراوان است کرده و با معای فرم و برهمنی گشت
منوچهر درانی غیال کرده منوتی از چنگ من مهن فروری، زکی ۱۰۰۰
منگه لیبونی برای سلکت باید خدمت کرد چه مردم وظیفه شناسی هستند
فطرات ظریف و مروارید نام فرق از پیشانی و همه جای صورت منو سرواز فراری میزاید فیهک مسموم و جوی دهانه با آستین دست صورتش را پاک کرد و با کینه غضب منیب و ناگفتنی بر روی زمین تلف انداخت بعد استوان سر گروهبان جوان داد مال و زرا عثم از بین میرفت رفتن غلام بردارم هفتور روز من ماهه بود ماقوم ناخوش و دم مرگ بود گامم سروا بود پشم و مویش چند تا بزو منجم لیبی بودم آفرین کارهای آبی میگردم... مگر اینها خدمت نیست! فیهک سر گروهبان بلنه شد خاک بر سرش کنند احسن الله له حالا بوش شروع میدم این کارها را و کی باید بکنم مرد که خرابکار سر باز خواهد هم خونه خاله است سر و ساری اولیایم کلاه آدم میریزد باید چون بکنن باید خار بخوری و باز بری سروازی است از برکت چتره...
منورا بوسیله یکی از کامیونای بارکش ارتش از امر به بوهو فرستاده و پس از آنکه خوب را نکش کاری کردند و ممت و لنگه دانه شلات زبانی خوردند فحش خرابکار و مادر تحویل گرفت و ندان انداختندش تا بعد از آنکه دست زدنای خود را طی کرد بعد از برپا کردن ارتش وارد هود و انجام وظیفه کند